

درس ۱۳ فارسی ہفتہ

اسوۂ نیکو

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. (احزاب، ۲۱)

پیام درس: پیام اصلی آشنایی با زندگی پیامبر است.

۲- مهربانی با فرزندان

۳- احترام به دیگران

۳- فروتنی کردن

۴- کم سخن گفتن و سخن دیگران را قطع نکردن

۵- دوری از تجمل

اسوة نیکو



اسوه: نمونه - الگو

پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله (ص)، در آداب و رفتار و اخلاق **اسوه** عالمیان است. آن چنان که خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید: «به درستی که رسول خدا برای شما، اسوه و نمونه نیکویی است». (سوره احزاب / آیه ۲۱)

رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، با فرزندان خود به مهر و عظوفت رفتار می‌کرد و می‌فرمود: «فرزندان ما پارهٔ جگر ما هستند». گاه، وقتی به سجده می‌رفت، حسن (ع) و حسین (ع) برگردن و پشتش می‌نشستند و او چندان در سجده می‌ماند تا آنان پایین بیایند و گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده بر می‌خاست و هر دو را در بر می‌گرفت و بر صورتشان بوسه می‌زد. رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، با خدمتکارانش نیز رأفت و عظوفت داشت.

عظوفت: مهربانی - لطف و محبت

پارهٔ جگر ما هستند (**کنایه و تشبیه**) عزیز هستند.

در بر می‌گرفت: در آغوش می‌گرفت

رأفت: مهربانی - نرم‌دلی

در میان جمع، گشاده رو بود و در تنهایی، سیمایی محزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات، چشم هایش را به زمین می دوخت. در سلام کردن به همه، حتی به کودکان، پیش دستی می کرد. هرگاه به مجلسی وارد می شد، نزدیک ترین جای خالی را اختیار می کرد. از بیماران عیادت می کرد. سخن همنشین خود را نمی بُرید. بیش از حد لزوم، سخن نمی گفت و اجازه نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی، در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد.

محزون: اندوهگین - غمناک چشم دوختن: **کنایه** از خیره شدن

در سلام کردن پیش دستی می کرد (**کنایه**) زودتر از بقیه سلام می کرد.

اختیار می کرد: انتخاب می کرد **هم نشین:** یار - همراه - همسفر

در زندگی از تجمل دوری می جست. در کارهای منزل به خانواده اش کمک می نمود و چون بانگ اذان را می شنید، به نماز می رفت.

تجمل: زیور بستن - خودآرایی - مال و اثاثیه گران بها داشتن

بانگ: فریاد - آوا

قصیده شماره ۱۶ - در ستایش حضرت رسول (ص)

قصیده سعدی، ۱۱ بیت

ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد

قدر فلک را کمال و منزلتی نیست در نظر قدر با کمال محمد

وعده دیدار هر کسی به قیامت لیلۀ اسری شب وصال محمد

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلال محمد

عرصه گیتی مجال همت او نیست روز قیامت نگر مجال محمد

و آنهمه پیرایه بسته جنت فردوس بو که قبولش کند بلال محمد

همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد تا بدهد بوسه بر نعال محمد

شمس و قمر در زمین حشر نتابد نور نتابد مگر جمال محمد

شاید اگر آفتاب و ماه نتابند پیش دو ابروی چون هلال محمد

چشم مرا تا به خواب دید جمالش خواب نمی گیرد از خیال محمد

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

۱- ماه فرو ماند از جمال محمد / سرو نباشد به اعتدال محمد

ماه از زیبایی پیامبر شگفت زده می‌شود و درخت سرو به راست‌قامتی پیامبر نیست.

ادبی: تشخیص در ماه فروماند اعتدال: تناسب - هماهنگی و زیبایی

۲- آدم و نوح خلیل و عیسی و موسی / آمده مجموع در ظلال محمد

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی (همه پیامبران) در سایه پیامبر جمع شده‌اند.

ظلال: جمع ظل - سایه‌ها

ادبی: مراعات نظیر در آوردن نام پیامبران / کنایه در سایه کسی بودن

زبانی: بیت یک جمله است و مصراع اوّل، نهاد است / آمده به معنی شده / مجموع، مسند

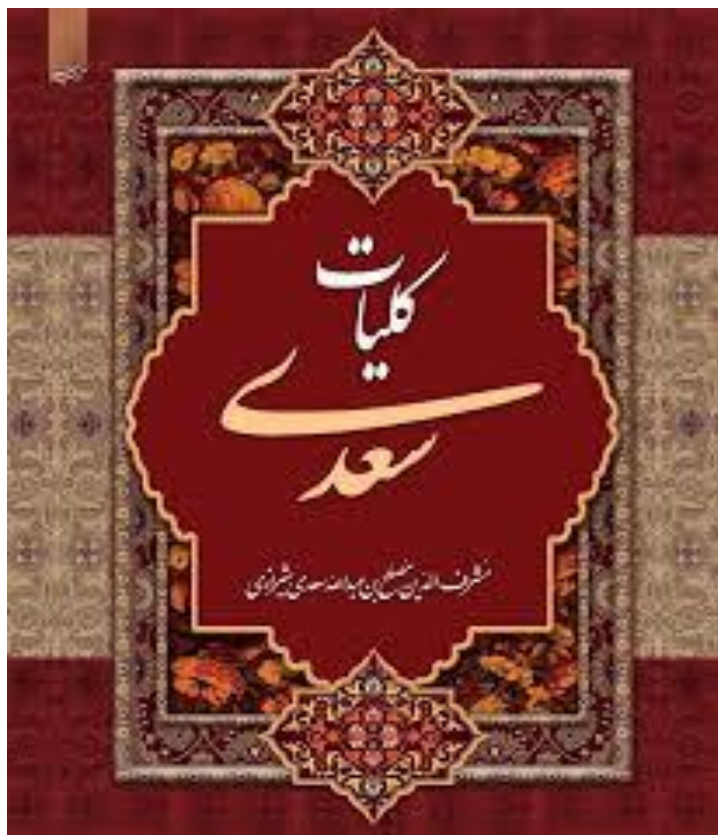
۳- سعدی، اگر عاشقی کنی و جوانی / عشق محمد بس است و آل محمد

ای سعدی، اگر می خواهی عاشقی و جوانی کنی، دوست داشتن پیامبر و خاندان او برای تو کافی است.

مواعظ: پندها- اندرزها- جمع موعظه

سعدی شیرازی: شاعر قرن هفتم. آثار:

۱- گلستان به نثر و نظم ۲- بوستان به نظم





خودارزیابی

- ۱- رفتار پیامبر (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوران کودکی چگونه بود؟
- ۲- کدام رفتار پیامبر (ص) با دیگران، برای شما جالب تر است، چرا؟
- ۳- به نظر شما چرا پیامبر (ص) بد رفتاری با خویش را می بخشید اما نسبت به قانون شکنی، گذشت نداشت؟
- ۴-

دانش زبانی و ادبی:

هر فعل ۶ ساخت دارد که به آن **ساخت یا صیغه** می‌گویند.

می‌دانم - می‌دانی - می‌داند - می‌دانیم - می‌دانید - می‌دانند

بن فعل: بخش ثابت فعل که در همه ساخت‌ها تکرار می‌شود. (نوع کار و زمان را نشان می‌دهد)

می‌شکنم - می‌شکنند - می‌شکنند

می‌روم - بروم - دارد می‌رود

هر فعل دو بن دارد: **بن ماضی - بن مضارع** که بن مضارع زمان حال را نشان می‌دهد.

شناسه‌ها بخش ناپایدار فعل هستند که به فعل می‌چسبند و شخص فعل را نشان می‌دهند.

مَ، یَ، دَ، یمَ، یدَ، نَدَ

علاوه بر بن فعل، **شناسه و پیشوند «می و ب»** در برخی ساخت‌ها به کار می‌رود.



فعالیت‌های نوشتاری

۱- برای هر یک از کلمه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

حضور، عطوفت، حریم

۲- واژه صحیح را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

الف) گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده **برمی‌خاست** (برمی‌خواست، برمی‌خاست)

ب) اجازه نمی‌داد کسی جز در مقام..... در حضور او از دیگری بد بگوید. (دادخواهی، دادخواهی)

۳- بن مضارع فعل‌های زیر را مشخص کنید.

می‌خوانم، می‌رویم، می‌پرسد، می‌شنوند

۱

حاضر - محضر - حضار

پیام: پرهیز از نادانی و
بی بصیرتی
کوزه
برای

چراغ برای افراد نادان و
بی بصیرت است.

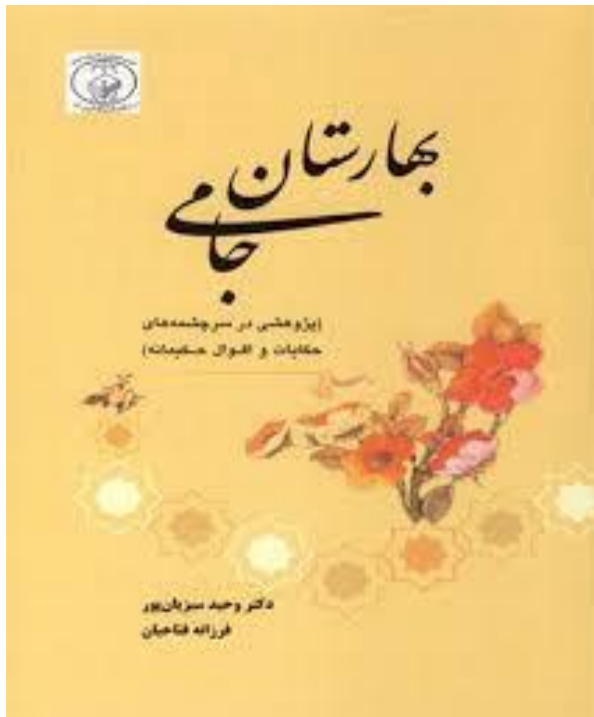
چراغ

نابینایی در شب، چراغ به دست و سبوی بر دوش، بر راهی
می رفت.

یکی او را گفت: تو که چیزی نمی بینی چراغ به چه کارت
می آید؟

گفت: چراغ از بهر کوردلانِ تاریک اندیش است تا به من
تنه نزنند و سبوی مرا نشکنند.

از بهارستانِ جامی



عبدالرحمان جامی: شاعر و نویسنده قرن نهم هجری است. به مناسبت

محل تولدش، جام، و به سبب ارادت به شیخ الاسلام «احمد جام»

جامی تخلص کرد. آثار او عبارتند از:

۱- بهارستان: به پیروی گلستان سعدی به نثر و نظم، دارای هشت

روضه (باب)، یک مقدمه و یک خاتمه است.

۲- هفت اورنگ: (شامل هفت مثنوی به پیروی از خمسه نظامی)



فعالیت‌های نوشتاری

۱- معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

ذوق ← شور و هیجان ادیب ← سخندان

استعداد ← توانایی مظاهر ← شور و هیجان

۲- برای هر یک از واژه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

اخلاص، قبول، حافظ، تمدن

۳- ده کلمه مهمّ املائی از درس پیدا کنید و بنویسید. مظاهر، مانع، مفاهیم، ثابت، مقتدایی، اعم از، ذوق، سهم، عظیم

۴- در جمله‌های زیر، ضمیرهای پیوسته و گسسته را مشخص کنید.

- شهید رجایی به همراهانش گفت: من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته‌ام. سوم شخص مفرد، اول شخص مفرد

- مصطفی دست‌هایش را داخل جیبش فرو برد. سوم شخص مفرد، سوم شخص مفرد

- ما همه مشتاقیم تا ترجمه‌تان را بخوانیم. اول شخص جمع، دوم شخص جمع

پایان